

مجلس شورای ملی

انتخاب که پسینهای پارلمانی
رسیدگی به اعتبارنامه آقایان وهابزاده
و خلیل موکول بجلسات بعد شد

اعتبارنامه آقای عباس اسکندری در جلسه امروز تصویب رسید
بکاست و روم ظهر امروز جلسه
هنگی مجلس بریاست آقای نبوی نایب
و پس دوم تشکیل گردید. صورت
جلسه پیش خوانده شد و پس از آن کرات
اصلاحی آقایان کشاورز و سوارباب
مدتی بزی صورت جلسه گذشته تصویب
گردید.
چند نفر از آقایان نایب کلا اجازه
قطع قبل از دستور را خواسته بودند
و از طرفی هم عده ای طرفدار ورود
در دستور بودند.
آقای عبدالقادر آزاد نیز اجازه
خواست اعلام جرمی را که علیه آقای
قوام السلطنه دارد ایراد کند.
آقای نایب رئیس گفتند موضوع
برای مجلس موقوف است و باید ترتیب
که یک طرف موافق و یکطرف مخالف
صحت میکنند و بعد رای میگیریم.
آقای دهقان طرفدار ایراد بیانات
قبل از دستور بود و گفت باید نایب کلا
شفه کرد باید مطالب را گفت اولیای
امور بهیچوجه گوششان بجرم ها
بدهکار نیست ما باید مراضی را که
داریم ایراد کنیم و تقاضاها و تالیفات
مردم را بگوش دولت و مامورین آن
برسانیم. بنا براین بهتر است مجلس
اجازه دهد مطالب قبل از دستور
ایراد شود.
آقای حاذق طرفدار ورود مجلس
بدستور بود و تقاضا کرد مجلس وارد
در دستور شود و اعتبارنامه نایب کلا
مطرح شود. ورود در دستور رای
گرفته شد تصویب گردد.
آقای ناصر قلی اردلان طبق ماده
چهارم نظامنامه اختصار کرد و گفت
باید شبات کار را اختیار نامه داشت
پرسند و متأسفانه تا بحال شبات
گزارش خود را بنایا ابیاتا در باره
اب اسفهان ویزد مجلس ندادند

سیاست جهان

اروپا در سال آینده نیازمند ۲۰ میلیارد دلار خواربار امریکاست

شورویا در اجرای نقشه ۵ ساله موفقیت

حاصل گردند

۱۶ کشور اروپا که جزء بلوک غربی محسوب میشوند هنوز

نتوانسته اند موافقتی بایکدیگر حاصل نمایند و یک واحد

اقتصادی بوجود آورند

انتخاب کمیسیونها

آقای نبوی گفتند مطابق مقررات

نظامنامه شروع تعیین اعضای کمیسیونها

میشود.

آقای اقبال بتوانند که کراظهار

داشت که بطور کلی باید اعضای

کمیسیونها در مجلس تعیین شوند ولی

برای جلوگیری از تشتت قرار شد از

هرشبه دو نفر تعیین شوند کمیسیون

و امین کنند. بنده آقای امیر صرت

اسکندری از شبه خودمان انتخاب

شدیم. آقای نبوی میفرمودند نشست و

اعضای کمیسیون را بایطرفی تعیین

کردیم علاوه بر این میشود که در فرا کمیون

حزب دمکرات اوراق را اختیار داده اند و این

عمل خلافی است (نایب کلا - صحیح)

فناوائی های انرا در

اعتصاب کرده اند

آیامعدا انگشتی در اینکار است

دوروز است عده ای از فناوائی

آزادپزی دست از بخت کشیده و

دکانهای خود را بسته اند و از تزاریکه

گفته میشود بکسانی هم که در این

اعتصاب شرکت نکرده اند فشار

آورده اند که حتما در این خود را

چندند

از قرار معلوم حرف آقایان

آزادپزی نیست که دولت آرد به آنها

پلورشد تا آنها نان آرد ترقه نایند

در صورت بادر نظر گرفتن این

فیکه که واسطه لهم بود نظر دکانهای

که آرد و لای دار بدعبل مردم نان آرد

های آزادپزی تهیه میکنند و موصوع

موجب شد که دیروز و دیشب عده ای

لزم مردم تهران بی نان باشند.

آروز که اجازه دادند در تهران

دکانهای نانوائی ایجاد شود نه خودشان

آرد از بازار آزاد تهیه نموده و نرخ

آزاد فروشنده بکلیت اساسی داشت

و علت آن فقدان ذخیره کافی در انبار

دولتی و مشکلات زمان جنگ بود و

منظور این بود که هر طور شده نان

در تهران فراهم و بیشتر شود ولی امروز

دیگر جهت ندارد که دولت باین تصمیم

و نظر خودبانی بیاید و شایسته است

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

و نانی که بدست مردم میدهند قابل

خوردن باشد.

در هر صورت اگر

این قضیه اعتصاب نانوائی های

آزادپزی یک مسئله عادی است

شایسته است فوراً و بیدرنگ

اداره غله و نان تهران به اندازه احتیاج

مردم آرد بکانهای نانوائی ام از

آزادپزی و غیر آزادپزی بدهند که

پخت بشایند و نان بقدر کافی در

دسترس مردم قرار دهنده.

تعداد دکانهای نانوائی ام از آزادپزی و غیر

آزادپزی آرد به نرخ دولت فروشد

و آنها را نیروادر نایند که نان بخرند

مقرر دولت مردم فروشد و ضمیمه نایند

نه جنس نان مرغوب و مطظوب باشد

مجلس شورای ملی

تیمه از صفحه اول

اختاری برای انتخاب ۱۸ نفر
کیسیون داری ۱۸ نفر برای کیسیون
توان داد گشتی و ۱۸ نفر برای
کیسیون کشور ۱۸ نفر برای کیسیون
فرهنگ ۱۸ نفر برای کیسیون پیشه و
۱۸ نفر برای کیسیون کشاورزی و ۱۲
نفر برای کیسیون راه و ۱۲ نفر برای
کیسیون خارجه و ۱۲ نفر برای کیسیون
پهنا و ۱۲ نفر برای کیسیون نظام
و ۱۲ نفر برای کیسیون پست و تفرات
شروع انجام گرفت و سپس آقای
رئیس اسانی نایب کسان عضو چهار
کیسیون معاصیات و متکرات و هراشی
بوده را که از شعب انتخاب شده
بوده اعلام کرد.

آقای محمد علی مسعودی پیشنهاد
کرد که مطالب قبل از دستور گفته
شود و ضمن توضیح گفت عده ای
از نایب کسان مطالب فوری و لازمی
دارند که باید برض مجلس برسد.
اکنون چند موضوع مهم و فوری است
که باید برض مجلس رسیده و گفته
شود. عده مخصوصی هستند که از شریعت
را فاسد کرده و بی سند دارند این
مطالب گفته شود. بیسیون مخصوصی
است که قرار است با آمریکا برود و
باید افراد صالحی بشویند آن انتخاب
شوند و با اطلاع مجلس تصمصم گرفته
شود.

موضوع دیگر خوزستان است
که عده ای می خواهند آنرا بپنروته
خزل بنام چند نفر تقسیم کنند و قضیه
دیگر آب میرسد است. اینها
این اقدامات ملکوت را باطل می
کنند. اگر مجلس اجازه ندهد این
مطالب گفته شود و وضع خوبی پیش آمد
خواهد کرد. اگر اجازه می فرمایند
پس این مطالب را بگویم.

آقای حاذقی با این پیشنهاد
مخالف بود و گفت نمی بایز اینها
قبل از دستور مصافقت، و ملی چون
انتخابات عامه دستور است و باید مطرح
شود. لذا چنین استیاضات قبل از دستور
باید مانی باشد. بعد در این جلسه
پیشنهاد نامه ها رسیدگی شود.

پیشنهاد آقای محمد علی مسعودی
مبنی بر شروع اعتبارنامه آزاد دستور
وای گرفته شد تصمصب نگردید
آقای رضوی نایب کسان در اظهار
نظامنامه ای داشت و گفت مطابق نظامنامه
نایب کسان مجلس باید هنگامی که
وارد مجلس میشوند سوگند یاد کنند
و عدم توجه باین موضوع خلاف اصل
۱۱ قانون اساسی است.

آقای نوی جواب داد که این مراسم
در جلسه آینده انجام خواهد گرفت
اختصار و اعلام جرم
آقای محمد آقا آزاد بدینک اختصار
نمود و گفت من آقای توام السلطنه اعلام
جرم کردم اجازه بدهید اعلام جرم
خوانده شود و ورقه اعلام جرم را
بوسیله یکی از خدمت ها بپایم ریاست
داد.

اختصار نظامنامه ای
آقای دکتر اعتبار طبق اصل ۳۲
قانون اساسی که می نویسد: «چنانچه
یکی ازو نادر ادارت دولتی موظفا
مستند شود از عضویت مجلس منفسل
میشود و مجددا عضویت او در مجلس
موقوف بصدفای از شغل دولتی و
انتخاب از طرف ملت خواهد بود»
گفت بعضی از آقایان نایب کسان
قبل از اینکه مجلس باین عضویت کارمند
باشد از دولت بوده و بنابرین حقوق
میکرفته (بهاوری-حالا هم عینطور است
و سوا از نوبیل های دولتی می شوند)
این آقایان حالا از مشاغل دولتی
استفاده بوده و حقوق میگیرند عده ای
از خارج این موضوع را سنند کرده اند
عده ای در شهرداری یا نقاط دیگر
مشاوره حقوقی هستند بعضی عمارت ها
های دولتی حقوق میگیرند.

آقایان باید بین وکالت مجلس و سایر
مشاغل یکی را انتخاب کنند. بنده اسامی این
آقایان را از وزارت انجینیا میگویم. بنده میگویم
باین مطلب جنبه هوچیگری داده شود
نیکیه نه نیست میگویم اگر آقایان از
مشاغل خود استفاده دارند و از انوبیل
های دولتی صر نظر کردند که هیچ
والا بنده اسامی کلیه این آقایان را
میگویم.

طرح اعتبارنامه ها
در اینوقت گزارش انتصابات
مشهد از هیئت ششم در خصوص نایب کی

عده ای از نایب کسان مجلس شورای
مجلس است و حسب مقتضیات زمان
روز با ساعت سه استفاده های غیر قابل
تردید اختصاصا را نادیده گرفته و آنها
را بهسکاری خود بدینتر
ولی در یک مورد است که
رغوف ترین قلب و با گذشت ترین
ایرانی نمی تواند آن ورد را ندیده
پندارد و آن مردد غیبت است غیبت
به ملک است اثر لسی برای مال
و یا لب جاه عالیا و علما متافع
بیگانگان را بر متافع کشور خود ترجیح
دهد و فعالیت شخصی و اجتماعی خود
را در اختیار آن ها بگذارد جایش
که فقط در صندلی مجلس شورای ملی
نیت بلکه او را به چوبه دار بایسپرد
تا به لفر احوال خود رسیده و
باعث هرت سایرین شود (صحیح است)

آقای اسکندری بلافاصله پس از
شهرور ۱۳۲۰ پس از اسالها خاموشی
فالیتهای سیاسی خود را آغاز نموده
پس از چند ماهی موفق بانسی حزب
توده و انتشار روزنامه سیاست ارگان
رسمی حزب میشود.

درد در میزدم مجلس و زمامداری
آقای قوام السلطنه بود که آقای
اسکندری بدینتر شرکت بیه رسیدند
و بعد از چند ماهی بدلائلی که قیلا عرض
شد بختا بصر شریف بردند

زند کانی حضرت والا در مصر
توجه وسوسه ظن بپسروا شد و جاب
میکند و ایشان تحت مراقبت قرار
می گیرند.

در اریل سال ۱۳۲۲ ایشان
مصاحبه ای با مطبوعات روزنامه «مر»
نموده و اظهار میدارند که من لیدر
حزب توده و مرجع مرام بانتریکی
در ایران هستم و در نظر دارم قیسی از
وقایع ۲۰ ساله ایران تهیه کنم.

مقامات مصری که بعدتی مراقبت
احمال او بودند نهایت و اقامت ایشان
را در قاهره برخلاف متافع مصر شصت
داده و باوجود اینکه ندر نامه خدمت
داشتند ندر نامه ایشان را توفیق
و خودشان را هم از مصر خارج
میکند.

مدارک این هراشی در پرونده
محرمانه وزارت خارجه موجود است
و انکی شاهد می و حاضری هم اینها
داریم.

پله آقای اسکندری را مصریان
پذیرفتند ملل دیگر مراقب و یارند
فقط ملک ماست که بهشت جایت
خواهم داد. آقای دکتر اعتبار جواب
پن ترندتیک را جمع با تقاضای دیگری
صلاحیت درباره آن قسمت از بیانات آقای
د تر اعتبار که مربوط بپرونده انتصابات
مندان بود، لازمست عرض کنم که
پرونده مندان چندینک بیشتریت و حال
آنکه برونده آقای د تر اعتبار را باید
وزن کرد و آقای آیت الله بروجردی
در باره ایشان نوشته اند...

است دروغ (در همین موقع
همه و هیاهوی شدیدی در تالار جلسه
پن، ساینده کان در گرفت)

در موضوع انتصابات مندان لازمست
عرض کنم که آقای بهاء الله که
شخص محترمی است بنده را در کلام
کامید کرد. بنده حضورشان رسید
عرض کردم که قصد مسافرت دارم
فرمودند غیر چون من قصد کرده ام
شاید باید کامید شوی.

آقای بهاء الله حاضریه و این
تنگرقات هم انجیاست. بعد از اینکه
من اعلام کامید شدن خود را کردم
آقای برزین باین ائتلاف کردند و
تمام خانواده های بزرگ مندان بین
رای دادند و بعدون اینکه توفیتی
کرده باشم بدینک میگویم که در ایران
انتصابات همجا میگویم بود انادر
باره صلاحیت شخص خود من ۲۹ سال
است وارد زند نای اجناسی شده ام
همه مارون مشیرالدوله بودم.

مدیریت کابینه فواید عامه شدم
من میگویم عرض کنم که نه اشخاص
بزرگی مثل بهاء الله و مشیرالدوله
و مومنین ملک بین توجه داشتند و من
طرف اعتدال آنها بودم. ولی برای
دفاع از خود باید یک-ویم که ایشان
با نال یشری بین نسبتی دادند که
باید از آنها دفاع کنم.

من در دوره گذشته از مخالفین
حکومت ۲۰ ساله بودم میل ترید
نیست که از روزنهم آبان و بعد که
سردار سپه روی کار آمد من مخالف
چدی سردار سپه بودم روزنامه حاضر
است.

اقلیت هم هست این مخالفت را
بدها من بتردشتم چندین بار در
شهر بانی توفیق شدم.

میدانم که با آن مبارزه کنم و چون
بزرگترین ستون آن، دستگاه جاسوسی
آن است من میگویم با انتشار حقایق
این ستون را بریزه و یاروم و چنان
حرکاتی به آن بدهم تا تمام این دستگاه
واژگون شود.

در همین کتاب در صفحه ۹۶ نگارنده
ضمن تشریح تشکیلات جاسوسی در ایران
در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۶) و معرفی
آزاد می نویسد در یک شاهزاده ای که
بست معنی در وزارت فواید عامه
داشت جاسوسی شماره ۱۶ مابود
او اطلاعات مفیده را جم بپریان کار
و ارتضاه با میداد وزارت فواید
عامه در آن تاریخ باجناب آقای حاج
میر السلطنه بود صاحب منصبان
مهم این وزارتضاه آنوقت این آقایان
بودند

آقای رهنا حاوان-آقای محمد سفی خان
ادیب-آقای اویسی مدیر کل لالاحت یکفر
ایرانی مدیر لی راه بود- آقای
سید قیسی رئیس کار کویتی-آقای
فطن السلطنه مدیر رئیس اداره تجارت و
جانبانی تنیه شاهزاده در پست مهم و
رئیس کابینه بودید- تمام معایب
نواص و مصوری که ممکن است به
یکفر نسبت داده شود- دزدی شوه
میشد سید احمد اعتبار با حقوق ماهی
۸ تومان کارمند تنکر افغانه بود
و میامد پیش پدر من گریه میکرد که
دو تومان اضافه حقوق بگیرد.
دفعان- جواب کتاب آقای یکف
را ندادی!

رحیمیان- حرف ترقن آقا جبار
حرفش را برد.

دفعان- چونه؟ باید با تهاپی که
وارد شده جواب بدهد و تو حق داری
از او دفاع کنی زیراهماری.

رحیمیان- فضولی نکن توازاو
تکیف تری- بزرگ منتر رئیس.

دواین موقع تشنج شدیدی در جلسه
تولید شد و ناطق پس از لرغ تشنج در
دنباله پیاناش رفت.

بهر حال در چنان دوره ای که کسی
جرت سلام و علیک نداشت چطور من
می توانستم جرم اتر ناسیونال سوم شام
و جاسوسی کنم و مراقب نگردم اماراج
بیشتر که می ایران بدهد از زمین من
باین شرکت، جناب آقای حامی آتیا
تشریف داشتند.

روزی که از شرکت بیه خارج
شدم عایدی بیه ۲۶ میلیون و ۵۴
میلیون و بال رسید- کاری که در بیه
کردم و ناین دقیقه تقاضای نظام
لتم قانون بیه است که در زمان
وزارت آقای بهاء الله گذشت و من
تیه کردم و این بزرگترین خدمت است
که من کرده ام.

و عده ای وزارت کار آمدند و گفتند
و نوشته که ما لدریم و من یک کله بکنتم
که چه کردم.

در شرت بیه بواسطه مسداغله
د کتر میلیسو و اختلاطیکه باین داشت
استفا کردم- گفته شدم چنک میمل
سادر کردم اگر یک چک پنچ تومانی
میمل از عباس اسکندری آوردید
تمام داراییه را میدهم حیواش هم چیز
خوبی است.

یکی کرده بی آبروگی بسی
چه غم دارم از آبروی لسی

در غیاب من، و تکیه که در مصر
بودم دیدم خانواده من باین نوشته اند که
روزنامه تهران معمر انتشار داده که
شما این مبلغ از شرکت بیه برده اید.

گفتم بشرکت بیه بنویسید جواب
بگیرید بریس شرکت بیه جواب بدهی
بود که همان موقع که روزنامه اتهام
زده بود ما بپروژه نامه تهران معمر
جواب دادیم و او درج نکرد.

من بروی آقای دهقان لیاوردم
(آقای صدر زاده- جواب را
بنواضی) الان میگویم «باین معمر
اسکندری نامه مورخه ۱۸ مردادشما
رسید»

نسبت بپندرجات تهران معمر و شرکت
بیه بوظیفه خود رفتار و شرح لازم
برای تکذیب امر پروژ نامه ابلاغ
گردید و شرکت بیه جراین وظیفه ای
ندارد لشر محسنی سلطان حسین رخاشی
اما اینکه بنده بمصر رفتم و در
مصر فعالیت سیاس داشتم آنرا من که
زبان عربی نمیدانم من چه فعالیتی
در نزد ملک فاروق داشتم؟ آدم در
دیا فقط بود که بنده را به مصر
بفرستند راستی شاید خودم یک چیزی
مستم و اطلاع ندارم (غند نه نایب کانی)
پس از آن ناطق خطاب ای را
که در دفاع از خود تیه کرده بود
خواند.

دواین خطاب ناطق از مداخلاتی
که در چنک بین البلی اول- و سیه
مسایگان در ایران صورت گرفته بود
سخن گفت و اظهار داشت که من بپا

و با نیت تاعده ای وادستگیرم
کردند مرا هم جزء آنها بزدان می
برند.

اقدامات شهربانی در مورد بازداشت
من ملک ندارد

در دوره بیست ساله بقدری
شهربانی مرتکب جنایات شد که ناچار
در برابر آن اقدامات پزشکی احمدی
را دار زند- آن کتابی که آقای
د تر اعتبار استناد نمودند در سال
۱۳۰۶ چاپ شد و آنروز ها اکثر
من گناهی مرتکب شده بودم حتما
مرا مجازات می کردند. در آنروز
ها در اثر انتشار این کتاب عده ای
دستگیر شدند و برای همین موضوع
سه نفر معالجه و معکوم با هدام شدند
این سه نفر دیر خاقان و سید خان
در وزارت جنگ و ایرج جلال السلطنه
بود که دو نفر اول اعدام شدند و
سوی را موتین الملک برای خاطر
پدرش رفت پیش سردار سپه و تقاضا
کرد شاه سابق او را بجای اعدام محکوم
بجساید لرد آقای نام مقام الملک هم
شاهدند در دوره گذشته ما ت-ول
زیادی داشتیم- داشتیم و فرسوختیم
و شا آقای اعتبار و پدرشان غریبه
آنروزی که من کالسه سوار
میشدم سید احمد اعتبار با حقوق ماهی
۸ تومان کارمند تنکر افغانه بود
و میامد پیش پدر من گریه میکرد که
دو تومان اضافه حقوق بگیرد.
دفعان- جواب کتاب آقای یکف
را ندادی!

رحیمیان- حرف ترقن آقا جبار
حرفش را برد.

دفعان- چونه؟ باید با تهاپی که
وارد شده جواب بدهد و تو حق داری
از او دفاع کنی زیراهماری.

رحیمیان- فضولی نکن توازاو
تکیف تری- بزرگ منتر رئیس.

دواین موقع تشنج شدیدی در جلسه
تولید شد و ناطق پس از لرغ تشنج در
دنباله پیاناش رفت.

بهر حال در چنان دوره ای که کسی
جرت سلام و علیک نداشت چطور من
می توانستم جرم اتر ناسیونال سوم شام
و جاسوسی کنم و مراقب نگردم اماراج
بیشتر که می ایران بدهد از زمین من
باین شرکت، جناب آقای حامی آتیا
تشریف داشتند.

روزی که از شرکت بیه خارج
شدم عایدی بیه ۲۶ میلیون و ۵۴
میلیون و بال رسید- کاری که در بیه
کردم و ناین دقیقه تقاضای نظام
لتم قانون بیه است که در زمان
وزارت آقای بهاء الله گذشت و من
تیه کردم و این بزرگترین خدمت است
که من کرده ام.

و عده ای وزارت کار آمدند و گفتند
و نوشته که ما لدریم و من یک کله بکنتم
که چه کردم.

در شرت بیه بواسطه مسداغله
د کتر میلیسو و اختلاطیکه باین داشت
استفا کردم- گفته شدم چنک میمل
سادر کردم اگر یک چک پنچ تومانی
میمل از عباس اسکندری آوردید
تمام داراییه را میدهم حیواش هم چیز
خوبی است.

یکی کرده بی آبروگی بسی
چه غم دارم از آبروی لسی

در غیاب من، و تکیه که در مصر
بودم دیدم خانواده من باین نوشته اند که
روزنامه تهران معمر انتشار داده که
شما این مبلغ از شرکت بیه برده اید.

گفتم بشرکت بیه بنویسید جواب
بگیرید بریس شرکت بیه جواب بدهی
بود که همان موقع که روزنامه اتهام
زده بود ما بپروژه نامه تهران معمر
جواب دادیم و او درج نکرد.

من بروی آقای دهقان لیاوردم
(آقای صدر زاده- جواب را
بنواضی) الان میگویم «باین معمر
اسکندری نامه مورخه ۱۸ مردادشما
رسید»

نسبت بپندرجات تهران معمر و شرکت
بیه بوظیفه خود رفتار و شرح لازم
برای تکذیب امر پروژ نامه ابلاغ
گردید و شرکت بیه جراین وظیفه ای
ندارد لشر محسنی سلطان حسین رخاشی
اما اینکه بنده بمصر رفتم و در
مصر فعالیت سیاس داشتم آنرا من که
زبان عربی نمیدانم من چه فعالیتی
در نزد ملک فاروق داشتم؟ آدم در
دیا فقط بود که بنده را به مصر
بفرستند راستی شاید خودم یک چیزی
مستم و اطلاع ندارم (غند نه نایب کانی)
پس از آن ناطق خطاب ای را
که در دفاع از خود تیه کرده بود
خواند.

دواین خطاب ناطق از مداخلاتی
که در چنک بین البلی اول- و سیه
مسایگان در ایران صورت گرفته بود
سخن گفت و اظهار داشت که من بپا

خبر های تشویر
شبه از صفحه سوم
در خصوص کابینه آینده

حس زده میشد که کابینه جدید خیلی زود تشکیل و شاید در جلسه
فردا بمجلس شورای ملی معرفی شود ولی بواسطه کرات آقای نخست وزیر
تصور نمیکرد در این هفت دولت آینده تعیین و معرفی لردد
هنوز هیچکوه اطلاع رسمی و صحیح از نام های مقسم وزارت
بدست نیامده و آنچه استنباط میشود آقای نخست وزیر تصمیم دارند علاوه
بر وزیران کابینه سابق چهار وزیر تازه برای چهار وزارتخانه خارجه،
بازرگانی و پیشه و هنر و کشور و وزارت کار و تلب تدر کابینه جدید
وارد نمایند و ممکن است تغییرات مختصری در بین وزیران کابینه سابق
نیز شود.

اب هیرمند بگلی قطع شده است
مردم در تلگرافخانه متحصن شده اند

زابل ۵ شهریور- موضوع قطع آب رودخانه هیرمند و خشکی
و بی آبی موجب نگرانی شدید کلیه اهالی این شهرستان گردیده چنانچه این
رضیت ادامه یابد محصولی در بین خواهد بود در تعقیب گزارشهای قبلی
راجح قطع آب رودخانه هیرمند و خشکی امروز عده کثیری از اوزاعین
اهالی شهرستان زابل ببلکر افغانه آمده تمعن اختیار نموده اظهار دارند
میچوقت سابقه نداشته که آب قطع شود اگر این تصمیم ادامه یه لند
همگی از بین رفته و تلف خواهیم شد و دائما داد و فریاد و استغاثه مینمایم
استه دارند اولیای معظم دولت بذل توجه فوری نسبت به آنها میندول و انام
سرمی فرمایند که از دست نروند.

زابل ۷ شهریور- تعقیب گزارشهای قبلی بر عده متحصنین امروز
افزوده شده و همگی داد و فریاد از بی آبی دارند و دامامطالبه جواب لنگراف
خودشان را که راجح قطع آب هیرمند ببقام آقای نخست وزیر و بعضی از
وزارتخانه ها و جراید من کز مغایره کرده اند مینمایند
آقای بولستر وابسته کشاورزی سفارت آمریکا و مهندس ساهی
ساعت ۸ صبح امروز وارد زابل گردیدند.

مطالبی گفته بودید که در روزنامه
آخر الساعه درج شده است و انادر
باره آقای رحیمیان لازمست عرض کنم
که آقای رحیمیان رفیق آقای عباس
اسکندری است و من دار دفاع کند
زیرا برونده انتصاب ایشان در مجلس حاض
است خود ایشان بوسیله سر بازار شوروی
دوره چهاردهم قطع انتصاب شدند و
مخالفتشان را شوروی ها تبعید
کردند.

اختصار در جواب اخبار
آقای رحیمیان با استفاده از ماده
۱۰۹ نظامنامه گفت که آقای دهقان
فاوت دارد که هر کسی در مجلس مخالف
چون تکذیبی موفق شدم متجاوز از
۱۰۰۰ هزاران دارم و انسر را از مرک
نجات دارم چون ستاد ارتش انگلیس
در مندان مخالف ما بود عده ای از
دوستان مارا توفیق کرد.

من خود را به مندان رساندم و از
طرف مامورین پلیس انگلیس در داخل
کشور بپطرف خودمان دستگیر شدم
بازده ماه در مندان توفیق بودم
زندان باین سیار خوش رفتاری شدم.
ژنرال ماژور دستر و تریلر پدر بزرگ
کودتای ایران کمال ادب را نسبت بین
کرد.

ناطق سپس بشاوه ای بملت جنوب
کرد و گفت ما باید بقت جنوب را
بانگلستان بدهیم و دادیم و انگلستان
هم باید پول مارا بدهد بقت حقیقی
منصافه و خوشبختانه بنظر می آید که
انگلستان هم حاضر بپندید نظر شده
است و این بوی خوش اکنون بشام
میرسد.

پس از آن ناطق گفت برای
خوشبختی اهالی این کشور نصبت باید
ما در سیاست داخلی اصل مجازات
رأیت کرد و دوم بینه در سیاست
خارجی باید سیاست ما بر اساس حفظ
استقلال و حاکمیت اقتصادی قرار گیرد
و دولت ایران نباید بقم یک کشور
قدمی بر علیه کشور دیگر براد و اصل
سیاست خارجی ایران باید سیاست موازنه
باشد و ایرانی باید در نظر بگیرد که
آزاد بدینا آمده است و آزاد باید
از دنیا برود و من نیز این اصل را
همواره در نظر داشته ام و برای حفظ
آن بارها بزدان رفتم و با بیاداد
گری مبارزه کردم و خواهم لکرد
و چه در داخل مجلس و چه در اداره
روزنامه خود هر جا که باشم از این
روش که با خدی خود عهد کردم پیروی
خواهم نمود حالا آقایان چه بایام و
تعود و چه بامهره سیه و موم و مواد
فنی که دست آقای دهقان من معمر
بهرت است، منز مرا بکویند و در لیب
لغت مرا بپوزانند شمار من هاست
که گفت: آزاد بدینا آمده ام و آزاد
خواهم رفت.

ناطق در پایان از نویسندگان
ایران ما و آقای فرامرزی سوسنده
کیهان که با ایشان مساعدت کرده اند
سیاسگذاری کرد.

اختصار نظامنامه ای
آقای احمد دهقان اختصار
نظامنامه ای داشت و گفت: بنده با
رقاقتی که غاس آقای اسکندریست نمیتوانم
صحبت کنم و پا اینکه اسم خود را جرم
مخالفین ایشان نوشته ام عرض نمیکند
تنها از روزنامه تهران معمر دفاع میکنم
من از پنچ سال پیش راجح چیزی که
ایشان مؤسش بودند مطالبی نوشتم
و چون در رابطه آن حرب با مقامات
خارجی ایشان را واسطه قرار ندادند
و اراد اسفرا را انتصاب کردند اسکندری از
حرب رفت و پس از آن خطاب بانگلندری
گفت.

شارا از مصر اشراف کرده روسا